

## از موج عظیم جنبش کارگری با خواست‌های معیشتی پشتیبانی کنیم!

کارگران پیمانی نفت در ۲۹ خرداد ۱۴۰۳ با مطالبات فوری ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت در ماه، افزایش حقوق‌ها، امنیت شغلی، بهبود شرایط زیستی و کاری، بهبود وضع خوابگاه‌ها، کیفیت غذا، بهداشت عمومی خوابگاه‌ها مثل حمام و دستشویی، وسایل محافظت از سرما و گرما، ایمنی کار و خواست مآكد و ویژه جهت حذف پیمانکاران زالو صفت از واسطه سرمایه‌دار و کارگر، پا به میدان مبارزه نهادند.

در ۳۱ خرداد ۱۴۰۳ که سه روز از اعتصاب کارگران این بخش می‌گذشت، بیش از سه هزار کارگر و کارمند در سی مؤسسه تولیدی در پشتیبانی کارگران پیمانی نفت دست به اعتصاب زدند. یک روز بعد این تعداد به ۶۱ مؤسسه افزایش یافت که بیش از ۶ هزار کارگر را دربر گرفت.

در این مابین شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) پشتیبانی خود از کارگران رسمی نفت را اعلام و دیگر کارگران را به پشتیبانی این مبارزات دعوت نمود.

در پنجمین روز اعتصاب ۲۰ هزار کارگر از ۹۵ شرکت و مؤسسه تولیدی به اعتصاب پیوستند. این مبارزات که صرفاً جنبه معیشتی و بهتر شدن شرایط کار را دارد، مبارزه‌ایست برای زنده ماندن، برای زنده ماندن به عنوان یک کارگر که باید با کارش بر ثروت کارفرمایان سنگدل و بی رحم بیافزاید. این مبارزات سیاسی نیستند بلکه معیشتی هستند؛ مبارزه به خاطر فرار از مرگ خانواده و خود.

علاوه بر اعتصابات فوق بسیاری از کارگران زمینه‌های دیگر تولیدی در اعتصاب و اعتراض به سر می‌برند. مثل اعتراضات کارگران اخراج شده پروژه پتروشیمی ارغوان گستر در ایلام در ۳۰ خرداد ۱۴۰۳.

یک روز پس از آغاز دور نوین مبارزات کارگری، در ۳۱ خرداد ۱۴۰۳ به علت عدم ایمنی شرایط کار دو کارگر جان خود را از دست دادند. یک کارگر در خرم آباد و دیگری در ارومیه. در سال ۱۴۰۲ بیش از ۲۱۱۵ کارگر در حین کار جان خود را از دست داده‌اند و در سال ۱۴۰۳ در هر روز بیش از ۵ کارگر در محیط کار جان داده‌اند.

مبارزات کارگران در زمینه‌های معیشتی، محیط زیست کارگری و ایمنی کار، مبارزات بنیانی‌ای هستند که کارگران بر این زمینه‌ها به طور طبیعی متحد می‌گردند و مبارزاتشان بسط و گسترش می‌یابد. زیرا همه بخش‌های کارگری دارای چنین معضلاتی هستند.

جنبش کمونیستی با ثبات‌ترین و آگاه‌ترین پشتیبان و تنش دهنده جنبش‌های معیشتی کارگران است. بدون این جنبش‌های معیشتی هیچ گام مؤثری در تدارک انقلاب نمی‌توان برداشت. این جنبش‌ها زمین سفت هر تدارکی هستند.

نظم کمونیستی با تمام نیرو از این جنبش‌های کارگری پشتیبانی می‌کند و برای گسترش آن لحظه‌ای دریغ نمی‌نماید.

جنبش‌های معیشتی کنونی کارگری در ایران زمینه محکم هر جنبش انقلابی کارگری‌ست. جنبش کارگری اگر خواهد در هر گام‌اش شاهد پیروزی باشد، اگر خواهد به یک جنبش کارگری انقلابی تکامل یابد، باید یک جنبش فراگیر اجتماعی گردد. باید به طور مستمر، لاینقطع و با ثبات از تمام مبارزات دمکراتیک بخش‌های مترقی جامعه پشتیبانی کند، مبارزه آنها را مبارزه خود بداند، با این بخش‌ها پیوند بزند و به صورت سیلی خروشان بر قلعه رو به ویرانی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران ضربات مرگبار وارد سازد و در نهایت آن را به زباله‌دان تاریخ بسپارد.

متأسفانه ما در جنبش‌های گسترده کارگری این روزها چنین سمت و سوئی را نمی‌بینیم. جنبش کارگری هنوز یک جنبش بسته و درخود است. به همین جهت نیز نه می‌تواند از جنبش‌های دمکراتیک و حق طلبانه بخش‌های دیگر جامعه پشتیبانی کند و نه از پشتیبانی آنها به طور گسترده برخوردار گردد. ما در این روزها شاهد حوادث جالبی هستیم. پشتیبانی برخی از جنبش‌های دمکراتیک از جنبش کارگری بیش از پشتیبانی کارگران از جنبش‌های دمکراتیک در زمینه‌های دیگر است. زندانیان در زندان، زنان در بیرون، معلمان و فرهنگیان در مدارس، دانشجویان در دانشگاه، به نوعی و در برخی بیانی‌ها از جنبش کارگری پشتیبانی خود را نشان می‌دهند مثلاً در بیانیه ۵۲۰ نفر از فرهنگیان، چنین آمده است: «وقتی طبق اصل ۸۴: "هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید" آیا ایشان در طول همه این سال‌ها از اخراج کارگران، معلمان، اساتید و دانشجویان معترض بی‌اطلاع بودند؟» و بسیاری از بیانی‌های دیگر در پشتیبانی از مبارزات کارگری.

رژیم جمهوری اسلامی ایران آگاهانه سعی می‌کند کارگران را آن چنان تحت فشارهای معیشتی و شرایط نا امن در پروسه کار در کارخانه‌ها قرار دهد که تمام خواست‌های کارگران بر محور زنده ماندن خلاصه گردد. جریانات مخرب خرده بورژوازی نیز بر این طبل می‌کوبند. جنبش کارگری وقتی حتی به حداقل خواست‌های معیشتی خود می‌رسد که از خود بیرون آید، به سمت پشتیبانی و پیوند با دیگر بخش‌ها و جنبش‌های حق طلبانه دمکراتیک گام بردارد و به صورت یک واحد کل در مقابل رژیم قرار گیرد. کارگران پیمانی نفت در بیانیه خود می‌نویسند

«دیگر بس است، ما مطالبه‌گریم و به این بردگی تن نمی‌دهیم.»

این هم طبقه‌ای‌های عزیز باید بدانند که بردگی آنها وقتی پایان می‌یابد که رژیم سرمایه‌داری ویران شده و سوسیالیسم برقرار شده باشد. این پروسه احتیاج به سیاست ضد سرمایه‌داری و اتحاد با اکثریت مردم دارد. در غیر این صورت بردگی بر جای می‌ماند. فقط با خواست‌های معیشتی نمی‌توان بردگی را از بین برد.

زندانیان سیاسی در ایران که مستقیماً زیر ساطور جلادان و آدمکشان رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند، با شجاعت بی نظیری چنین خواست‌هایی را مطرح می‌کنند «ما جمعی از زندانیان سیاسی در زندانهای مختلف ایران، از مردم و جوانان می‌خواهیم که انتخابات قلبی رژیم را تحریم کنند و از رفتن به پای صندوقهای رأی خودداری نمایند. ... زمان، زمان، زمان قیام و انقلاب است. باید بپا خاست و این حاکمیت ننگین را سرنگون نمود.»

زمان آن رسیده است که جنبش کارگری نیز وارد گود سیاست شود. طبقه کارگر فقط با قیام مسلحانه توده‌ای میتواند بورژوازی حاکم بر ایران را به زیر کشد و در جریان ساختمان سوسیالیسم از استثمار رهایی یابند

«شعور طبقاتی شما هر چه می‌خواهد باشد، با دستان خالی نمی‌توانید در مقابل گلوله دوام

بیاورید!» (استالین)

پیروز باد موج جدید جنبش حق طلبانه کارگران ایران!  
در سمت پیوند جنبش کارگری با دیگر جنبش‌های دمکراتیک بکوشیم!

نظم کمونیستی

26.3.2024